



سهام مخاطب کجاست؟

آبنین محقق

نامناسب در فیلم‌های خارجی امری بدیهی و قابل پذیرش است، اما سانسور فیلمی که تمامی نهادهای نظارتی موجود در سطح جامعه آن را برای اکران در سینماها تایید کرده‌اند چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا خط قرمزها و چارچوب‌های فرهنگی صدا و سیما با سایر نهادها متفاوت است؟ دامنه‌ی این اتفاقات در چند ساله‌ی اخیر به طرز قابل توجهی به سریال‌های تلویزیونی که تمامی مراحل ساخت آن در تلویزیون طی می‌شود هم کشیده شده است. هرچند این اتفاق ریشه در گذشته‌های دور و سریال‌های بزرگی مانند سرداران و هزارستان دارد. شاید بتوان گفت آغاز ماجرا به جرح و تعدیل در این آثار ارزشمند بازمی‌گردد که بخش قابل توجهی از زحمات گروه سازنده‌ی این آثار را بر باد داد.

جرح و تعدیل فیلم‌های ایرانی در تلویزیون تبدیل به قصه‌ای پر غصه و تکراری شده است که یکی از آخرین اتفاقات در این زمینه فیلم گاو که تحسین بنیانگذار انقلاب را نیز برانگیخته بود، با سانسورهای بدون توجیه در تلویزیون به نمایش درآمد. سیاهه بی‌پایانی از فیلم‌هایی که به این سرنوشت دچار شده‌اند وجود دارد. هیچگاه هم کسی پاسخگوی این حرکت نبوده است. برای مثال در هنگام پخش یکی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران یعنی هامون، صحنه‌های بسیاری حذف شد که یکی از جالب‌ترین آنها سکناس نماز خواندن هامون در دوران کودکی است که حذف آن با هیچ یک از معیارهای رایج در جامعه قابل توجیه نیست. سانسور صحنه‌های غیر اخلاقی و الفاظ

ساعت شنی، یک تجربه جدید

رعنا محمدی

مسایل را از بین می‌برد. این سریال قبح‌شکنی کرده و با توهین به شخصیت زنان، شخصیت آنان را تا حد زیادی پایین آورده است و باعث الگوسازی منفی در جامعه و هویت دادن به بی‌هویتی‌ها و بی‌فرهنگی‌ها و جرایم موجود شده است که جز آثار منفی نتیجه دیگری نخواهد داشت. "ساعت شنی از سوی دیگر عشرت شایق، نماینده مجلس در این زمینه می‌گوید: "ساعت شنی ابزار تهاجم فرهنگی است، این سریال سیاه‌نمایی بسیار زیادی علیه خانواده دارد و جای تأسف است که فیلمی که در آن زن‌های جامعه اسلامی مسأله‌دار و مردان را مشکل‌دار معرفی می‌کند از طریق سیما پخش می‌شود. وی با تأکید بر این که هیچ اولویتی برای ساخت و پخش این فیلم در جامعه وجود ندارد، می‌گوید: اگر مسوولین قصد داشتند که یک مسأله قانونی و شرعی را برای مردم روشن سازند، می‌توانستند با ساختن فیلمی بهتر از این اقدام کنند. میرباقری، معاون سیما در انتقاد به این مجموعه و با اشاره به این که سریال مزبور نسبتی با ارزش‌های جامعه‌ی ایرانی ندارد، نسبت به سیاه‌نمایی‌های مطلق به تصویر کشیده در این سریال اعتراض کرده است. همچنین حسین مظفر، رییس شورای نظارت بر صدا و سیما گفته است: سریال "ساعت شنی" که با موضوع آسیب‌های اجتماعی، تولید و پخش می‌شود، دارای بد آموزی و تأثیر نامطلوب در خانواده‌ها و به ویژه افراد کم سن و سال است. به گفته‌ی مظفر، در این مجموعه‌ی تلویزیونی عفت عمومی رعایت نشده و نوعی پرده دری صورت گرفته است. ضرغامی، رییس سازمان صدا و سیما پاسخ جالبی به این انتقادات داده است: "امروزه برنامه‌سازان و هنرمندان بیش از هر کسی می‌دانند که رسانه ملی با توجه به مأموریت ذاتی که دارد و آن هدایت جامعه است، نهایت پشتیبانی

سریال ساعت شنی فارغ از کیفیت اثر و ساختار آن از دو منظر یک تجربه‌ی جدید در تلویزیون ایران محسوب می‌شود. برای اولین بار مسایلی را مطرح نموده و شخصیت‌هایی به این واسطه به تلویزیون راه یافته‌اند که تا پیش از این سابقه نداشته است. در واقع این سریال قدم به موضوعات ملت‌بند اجتماعی گذاشته که حتی در فیلم‌های سینمایی که فضایی بازتر از تلویزیون دارند نیز کمتر مجال بروز یافته‌اند. به واسطه داستان نسبتاً روان و بازیگران تراز اول، این مجموعه پس از گذشت چند قسمت اولیه مورد توجه مخاطبان و در ردیف پربیننده‌ترین برنامه‌های سیما قرار گرفت. نکته‌ی قابل توجه دیگر این بود که در این سریال برای اولین بار بحث درجه‌بندی مخاطبین برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی مدنظر قرار گرفت که در نوع خود قابل تقدیر است. زاویه‌ی دیگری که موجب شهرت ساعت شنی شده است، واکنش‌های بی‌سابقه از سوی مسوولین نسبت به این سریال است. ادبیات به کار رفته برای تقبیح این سریال یادآور برخوردهایی است که با فیلم‌های سینمایی در دوره اصلاحات می‌شد، اما این بار قضیه فرق کرده و این برخوردها با یکی از آثار تولید شده در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود. غلامحسین الهام، وزیر دادگستری و سخنگوی دولت با اشاره به این سریال گفته است: "برخی سریال‌های تلویزیونی از جمله سریال ساعت شنی به قدری قبیح است که به راحتی نمی‌توان در خصوص جنبه‌های زشت آن سخن گفت. مباحثی که این سریال به تصویر می‌کشد، در جامعه‌ی ما جایی ندارد. در کجای جامعه‌ی ما، زنان این گونه مادری می‌کنند و عده‌ای نیز از این طریق به تجارت مشغول می‌شوند." الهام می‌افزاید: "به تصویر کشیدن این موارد بدون تردید اثر مثبت و بازدارنده‌ای نخواهد داشت بلکه اثری ترویجی ایجاد می‌کند و قبح بسیاری از

چرا سانسور؟

ایران کشوری است که شرایط فرهنگی خاصی بر آن حاکم است. بنابراین واضح به نظر می‌رسد که تلویزیون به عنوان یک رسانه‌ی فراگیر، معتقد به چارچوب‌های معینی باشد و معیارهای معتبری را رعایت کند. اما سوالی که وجود دارد خط قرمزها و معیارهای این چینی برای یک رسانه چگونه تعریف می‌شود و چه کسانی مسوول تعیین این حدود هستند؟

آنچه از عملکرد رسانه در زمینه‌ی ممیزی آثار سینمایی و تلویزیونی برداشت می‌شود، نبود یک رویه‌ی مشخص با ضوابط معین است، برای مثال سریالی که در شب پخش می‌شود هنگام پخش مجدد در روز با حذف برخی صحنه‌ها روبه‌روست، این قضیه به شدت بیشتری برای سریال‌های

خارجی صادق است که دست ممیزین برای تغییرات در آن کاملاً باز است و از دیالوگ‌ها گرفته تا داستان همه چیز ممکن است دستخوش تغییر قرار گیرد. نکته قابل تامل دیگر این است که رعایت بعضی نکات هنوز غیر قابل درک به نظر می‌رسد، مانند عدم نمایش سازهای موسیقی یا ورزش بوکس که خوشبختانه در طول سال‌های اخیر به تدریج حساسیت از روی دومی برداشته شده است اما اولی هنوز هم پابرجاست. اگر مسوولان فقط توضیح می‌دانند که دلیل این کار چیست، مخاطبان با خیالی آسوده‌تر به تماشای لب زدن خوانندگان پرشمار در برنامه‌های تلویزیونی می‌نشستند. یا در مثالی دیگر می‌توان گفت تفاوت محسوسی میان پوشش مجریان در شبکه‌های داخلی با شبکه‌های بین‌المللی سازمان وجود دارد. به راستی

دلیل این تفاوت چیست؟ چرا گروهی که در داخل به اجرای برنامه می‌پردازند همان برنامه را در شبکه جام جام با شور و حرارت بیشتری اجرا می‌کنند؟ چراهایی از این دست بسیار است.

این مجموعه تناقضات دست به دست هم داده تا این تفکر در میان مردم شکل بگیرد که تلویزیون هیچ برنامه‌ای را بدون سانسور به نمایش در نمی‌آورد و این خود نشانه‌ی بارزی از شکل‌گیری عدم اعتماد مخاطب به رسانه است چرا که مهمترین شاخصه‌ی یک رسانه، توانایی آن در جلب مخاطبین است.

از نقطه نظر جذابیت رسانه نیز می‌توان مروری بر فضای موجود در برنامه‌های مناسبی نمود که به مناسبت جشن‌ها و اعیاد مذهبی پخش می‌شوند که عموماً از یک سری آیتم‌های تکراری

را از تولید برنامه‌های تاثیرگذار انجام می‌دهد. مردم از رسانه ملی می‌خواهند که وظیفه و مأموریت اصلی خودش را که روشنگری و آگاه‌سازی است انجام دهد. راهی که رسانه ملی در دو سه سال اخیر انتخاب کرده و پخش مجموعه‌های نمایشی و مستندات برای مردم این باور را ایجاد کرده است که می‌شود بدون توجه به بعضی از تبعات منفی و حواشی که برای برخی برنامه‌ها تصور می‌شود، به پیام اصلی یک برنامه توجه کرد. وی تصریح کرد: متأسفانه

می‌تواند مشکل ساز شود، که خود برنامه‌سازان سعی می‌کنند تعدیل لازم را انجام دهند.

اینها فقط چند نمونه از حواشی مرتبط با پخش این سریال است. با گسترش دامنه انتقادات از سوی صاحب‌منصبان، سازمان با تغییر شیوه پخش سریال از سه روز در هفته به یک روز و اعمال تعدیلاتی در آن عقب‌نشینی خود را اعلام نمود.

وجه مشترک همه این انتقادات، جنبه تخریبی این سریال و تاثیر آن است که بر جامعه بر جای می‌گذارد. چند سوال در این جا به ذهن خطور می‌کند، آیا اتفاقاتی از این دست در جامعه ایران به وقوع نمی‌پیوندد؟ آدم‌هایی با چنین مشکلاتی وجود ندارند؟ آشنایی با این معضلات و راهکارهایی که قهرمانان داستان برای آنها می‌یابند برای بیننده بدآموزی دارد؟ از همه مهمتر وقتی این سریال درصد بالایی از رضایت مخاطبین را جلب کرده است، ما چگونه می‌توانیم برای آنها نسخه صادر کنیم که مشاهده‌ی چنین برنامه‌ای گمراه‌شان می‌کند؟

شاید وقت آن رسیده باشد با استقبال از تغییر رویکرد اتفاق افتاده در تلویزیون فرصت نزدیک شدن هنرمندان به مسایل موجود در جامعه را بدهیم. انکار مشکلات هیچ گاه ما را به راه حل نمی‌رساند و تنها پاک کردن صورت مساله است. آیا زنانی از جنس مینا، مهشید، مهتاب و... در این جامعه وجود ندارند؟ بایستی تنها در دادگاه‌ها و صفحات حوادث روزنامه‌ها به دنبال مسایل آنها بود.

وقت آن رسیده است به مخاطب اعتماد کنیم، مخاطبی که احتمالاً به آن درجه از درک رسیده است که شخصیت‌های یک سریال را به کل جامعه تعمیم ندهد و بداند اینها تنها سمبل گروه کوچکی از افراد جامعه هستند، و نه همه‌ی آنها اما هستند و با مشکلاتی این چینی دست و پنجه نرم می‌کنند. از این رهگذر بهتر می‌توانیم جامعه‌ی خود را بشناسیم و برای برون رفت از معضلات موجود در آن تلاش کنیم.



برخی که نگاه‌های محدودتری دارند به جای توجه به پیام اصلی و تاثیرگذاری آن، به حواشی می‌پردازند و راه را اشتباه می‌روند.

عزت‌الله ضرغامی در عین حال می‌گوید: ما اعتقاد نداریم که مصون از خطا هستیم، ممکن است بعضی از حواشی به حدی اشتباه داشته باشد که لازم باشد مرتب مورد توجه و تجدید نظر قرار گیرد. سریال‌های ما هم همین طور هستند و ممکن است به هنگام پخش احساس شود یک نکته خاص حاشیه‌ای

و فاقد هر نوع جذابیت، فضایی سرد و بی روح و همچنین مجریانی که فقط برای اتلاف زمان حرف می زنند، تشکیل شده است.

باید پذیرفت مخاطب امروز قدرت انتخاب دارد، هنگامی که با ترکیبی از حس عدم اعتماد و عدم جذابیت روبه رو شود، بی درنگ به سوی استفاده از رسانه های دیگر روی می آورد و هیچ الزامی هم وجود ندارد آن رسانه ها برنامه ای مطابق با ارزش های رایج در کشور ما به مخاطبان ایرانی عرضه نمایند. بنابراین یافت راه حل هایی برای بهبود شرایط موجود و جذاب تر کردن برنامه های تلویزیونی برای حفظ مخاطبان ضروری به نظر می رسد.

با توجه به مباحث پیش گفته، رویکرد قابل توجهی از سوی مسوولین تلویزیون شکل گرفته است و آن هم دعوت از کارگردانان و بازیگران صاحب نام برای ساخت سریال های تلویزیونی است که از جمله آنها می توان به حلقه سبز، روزگار قریبه شهریار و ساعت شنی اشاره کرد که هر کدام به دلیلی تجربه جدید و شایان توجهی در عرصه ی



رسانه ی ملی محسوب می گردند.

حلقه سبز به واسطه تغییر ژانر صورت گرفته در آثار حاتمی کیا، شهریار به واسطه مرور زندگی این شاعر معاصر و حضور کمال تبریزی به عنوان کارگردان، روزگار قریب که ساخت آن نزدیک به ۶ سال طول کشیده است، به خاطر ساختار فوق العاده و بازی های روان آن و از همه مهمتر موضوع جذابش که به زندگی یکی از بزرگترین پزشکان ایران می پردازد، اما در این میان ساعت شنی از همه پر سر و صداتر است و واکنش های مخالف و موافق بسیاری را برانگیخته است، چرا که موضوعی اجتماعی را دست مایه قرار داده که تاکنون در صدا و سیما سابق نداشته است.

دعوت از این افراد از دو جنبه قابل بررسی است؛ اول این که فرصتی فراهم می کند تا افراد حرفه ای سینما فارغ از محدودیت های مالی موجود به فعالیت بپردازند و از طرف دیگر سطح سلیقه مخاطبین را ارتقا می دهد. باید پذیرفت اعتبار نام کارگردانان معتبر منجر به حضور تعداد بیشتری از عوامل حرفه ای در سریال ها می شود و خود به خود منجر به افزایش کیفیت کار می گردد.

اما این تمام ماجرا نیست و نکته ی حایز اهمیت دیگر حمایت سازمان از تولیدکنندگان

این آثار و همچنین نوع برخورد با آثار در هنگام پخش است. اگر قرار باشد حاصل کار یک گروه چند ده نفره که بیش از چندین ماه برای ساخت یک مجموعه با مسایل و مشکلات بسیار روبه رو بوده اند به راحتی از سوی یک مسوول پخش مورد جرح و تعدیل قرار بگیرد، اصل قضیه زیر سوال می رود.

از طرف دیگر فشارهای خارج از سازمان برای تغییرات در یک سریال هم به امری عادی تبدیل شده است و مسوولان مختلف این حق را برای خود قایل هستند که خواستار تغییر یا عدم پخش یک برنامه گردند. استمرار این وضعیت قطعاً وضعیت را از حالت موجود نیز بدتر خواهد کرد.

یکی از مشکلات موجود در جامعه ما تعمیم دادن جزء به کل است. این مساله در واکنش به فیلم ها و سریال ها نمود بیشتری می یابد. برای مثال جامعه پزشکان به مجموعه اغما اعتراض می کند، جامعه پرستاران به شوکران و اعتراضاتی از این دست که در طول پخش فیلم ها و سریال ها بسیار می شنویم و همگان انتظار دارند که صنف ها به عنوان کسانی که خطا می کنند مطرح نشوند. این مساله از آنجا ناشی می شود که یک امر جزئی مربوط به یک نفر را به کل افراد تعمیم دهیم.

این مساله به نظر می رسد از آن جا ناشی می شود که ما مخاطبان را افرادی سطحی فرض می کنیم که با دیدن یک نفر همه افراد آن صنف را دچار مشکل می بینند. از طرف دیگر آنقدر توان تحلیل ندارند که با دیدن برخی مشکلات و ناهنجاری ها در برنامه های تلویزیونی بلافاصله تحت تاثیر قرار می گیرند و به بزه و انحراف دچار می شوند.

هر سال تعداد زیادی فیلم و سریال در کشور ما تولید می شود. اگر از بسیاری از آنها صحنه هایی را حذف کنیم به احتمال زیاد به کلیت اثر لطمه ای نمی خورد چرا که از ساختار منسجمی برخوردار نیستند. اما گروه دیگری از تولیدات هستند که حذف حتی یک دقیقه از آنها به کلیت اثر ضربه می زند.

اگر قبول داریم ملت ایران در طول سال های پس از انقلاب رشد یافته اند، یکی از نمودهای آن بایستی این گونه بروز یابد که فرصت تحلیل و درک آثار هنری را برای آنها قایل شویم و با جرح و تعدیل و حذف بی مورد از فیلم ها و سریال ها به شعور مخاطب در درک مسایل توهین نماییم.

ناشر شما می شویم

تا نوشته بی از خود باقی بگذارید!

✪ ای شاعر ناشناخته که اشعارت را به گنجینه ای چهار فراموشی سپرده ای!
✪ ای نویسنده بزرگ آینده که آثارت در خلوت اعتبار، لحظه شعاری می کنند!

آثار امروز شما را به امید فردایی بهتر منتشر می کنیم.

متری در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

(برگذاری اهدا محور از وزارت ارشاد به عهده ماست)

نیکی از تیراژ کتاب شما را خریداری می کنیم.
کتاب های: موسیقی - نثر - سینما - علمی - فنی
مهندسی - کامپیوتر - زبان - پزشکی - روانشناسی
کشاورزی و اولین کاربردی را با کمترین هزینه
منتشر می کنیم.

شورای توسعه ی دفتر آثار جوانان و بزرگسالان ایران
پلی نمایی: ۸۸۲۸۶۸۷۰ و ۸۸۲۸۷۱۱۱ (۰۲۱) ۶۰۳۳۳۳۳۳